

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زی telegram.me/sopnuu

نکات کلیدی شماره (۲)

در علم حقوق، امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا بدان استناد می‌کنند (در آئین دادرسی مدنی) و همینطور قانون یا آراء وحدت رویه یا مصوبات مراجع صلاحیتدار (در قانون مدنی).
نقاط افتراق دلیل فقهی و دلیل حقوقی از دو جنبه قابل مشاهده است:
- گرچه دلیل حقوقی همان قانون است اما دلیل فقهی ابتدا نیاز به اثبات دلالت و بررسی صحت صدور توسط فقیه دارد سپس دلیل فقهی اعمال می‌شود.
- دلیل حقوقی مادامی که حیات دارد، در حالیکه برای همه دارای حد یکسانی از اعتبار است، قابل خدشه نیست اما دلیل فقهی و ابعادش در هر زمان و مکان قابل خدشه توسط فقیه است.

دلیل در حالی که بیانگر ثبات همیشگی دلالت کننده است، به معنی راهنما، حجت یا حجت قاطع در لغت آمده است. این در حالی است که این واژه در علوم مختلف، معانی متفاوتی به خود گرفته است.
در علم فلسفه، آنچه از علم به آن، علم به چیز دیگر حاصل شود، نام گرفته است.
در اصطلاح اصول فقه در دو معنی، فرایند مشابه دلالت در مباحث الفاظ منطقی و در معنی دیگر هر چیزی است که به حکم شرعی (مطلوب) رهنمون شود.
در اصطلاح فقه، ثابت کننده احکام جزئی و در مواردی احکام کلی است.

نکات کلیدی شماره (۳)

ادله - با توجه به اندازه‌ی هدایتگری به سمت حکم شرعی واقعی - به دلایل قطعی (مانند نصوص قرآن و اخبار متواتر) و دلایل غیرقطعی (مانند خبر واحد شهرت فتوایی و شهرت روایی) // و - از جهت جنس - به دلایل عقلی (عقل مستقل و عقل به عنوان یکی از ادله اربعه) و دلایل شرعی (مانند قرآن و روایت) // و - از بعد هدف به کار بردن دلیل - به دلایل اجتهادی (دلیلی که مجتهد را به حکم عندالهی می‌رساند) و دلایل فقاهتی (دلیلی که صرفاً وظیفه‌ی عملی مکلف را برای خروج از شک و سرگردانی مشخص می‌کند در حالیکه امکان دسترسی به حکم خدا میسر نیست)، تقسیم می‌شوند.

نکات کلیدی شماره (۳)

تفاوت‌های دلیل فقهی و دلیل اصولی:
- میزان کلی‌گرایی دلیل در احکام فقهی در حوزه‌ای محدود است، طوری که حتی بسیاری از دلیل‌های فقهی نتیجه بکارگیری ادله‌ی ثابت شده در علم اصول‌اند.
- این در حالیست که ادله‌ی اصولی در حیطه‌ای کلی‌تر و کلان‌تر استعمال می‌شوند. گرچه ادله‌ی فقهی نیز (بر خلاف احکام قضایی) در احکام عبادی و مدنی، مثبت احکام کلی‌اند (مانند اثبات مالکیت در خصوص قاعده ید).

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زیر telegram.me/sopnuu

نکات کلیدی شماره (۲۰)

◀ الاصل دليل حيث لادليل: ناظر به حجت بودن اصل در زمانی است که علم یا ظن معتبر (دلیل) برای نیل به واقع یافت نشود. بنابراین پیروی از اصل، واجب بوده و حکم تکلیف منجز شده را برای مکلف دارد و اگر نهایتاً عمل بدان مخالف حکم واقعی شرعی باشد، مکلف معذور است.

نکات کلیدی شماره (۹)

◀ با وجود تعاریف متعدد ارائه شده از اصل در علم اصول فقه، به نظر، یافتن ریشه پدیده‌ها و جایگزین کردن آنها در موارد خاصی که امکان دستیابی به حکم واقعی نیست» تعریفی است که ناظر بر ماهیت اصل می‌باشد. این در حالی است که تعاریف دیگر به نحو جامع از ماهیت اصل سخن نگفته‌اند. (بنا نهادن بر حالت اغلب) و یا به کاربرد و مجرای اصل اشاره کرده‌اند (دلیل مجعول برای مکلف شاک که امکان رسیدن به واقع برایش فراهم نیست).

@BookTabado

نکات کلیدی شماره (۳)

◀ شیخ انصاری نیز با تفکیک قائل شدن برای اصول عملی چهارگانه، نخستین گام را در پردازش این اصول برداشت.
◀ در زمان وقوع شک در دلالت لفظ بر معنا، اگر شک در وضع لفظ بر معنا ایجاد شود، (با حمل بر اصل عدم)، مصادیق اصل عدم وضع، اصل عدم اشتراک، اصل عدم نقل و اصل عدم إضمار رخ نشان می‌دهند.
◀ اگر شک در مرحله‌ای بعد (کاربرد لفظ بر معنا) وجود داشته باشد، از آنجا که این کاربرد، احتمال استعمال خاص، مقید معنای مجازی و معنای غیرظاهری (مرجوح) است، و دلیلی بر اراده این معنای توسط گوینده وجود ندارد، اصل به ترتیب بر اصل عموم، اصل اطلاق، اصل حقیقت و اصل ظهور است.

نکات کلیدی شماره (۴)

◀ با وجود آنکه به نظر اصول لفظیه و اصول عملیه از یک اصل کلی تقسیم شده‌اند اما در بیشتر مباحث اصولی وجه تمایز این دو اصل بیان نشده است. با جمع‌بندی مباحث اصولی و بیانات اصولیان می‌توان تفاوت‌های اصول لفظی و اصول عملی را این گونه بیان نمود:
۱- اصل لفظی از جنس باور (انسان)، بوده و گرچه نتیجه‌ی کاربردی این برداشت‌ها و باورها مدنظر است / اصل لفظی، پشتوانه‌ی عرف و سیره‌ی عقلا را دارد.
۲- اصل عملی رویکرد و موضعی عملی در برابر حکم / موضوع مشکوک است / پشتوانه‌ی اصل عملی، ادله شرعی و عقلی است.
◀ صاحب فصول الفرویه ضمن بیان مجرای اصول لفظیه، از «حاله الحقیقه برای نخستین بار سخن گفت.

نکات کلیبی شماره (۱۳)



اگر مکلف در راه دستیابی به حکم شرعی، علم یا ظن معتبر (دلیل بر حکم شرعی) پیدا کند موظف است بدان عمل کند. حال اگر چنین دلیلی نیافت، برای رفع شک، ناگزیر از تمسک به اصول عملیه است تا وظیفه‌ی عملی‌اش را در قبال تکلیف بداند. چرا که وقتی قانونگذار (شارع) متناسب با احوال و شرایط آگاهی یافتن مکلف، وضع حکم کند، جهل مکلف نسبت بدان، رافع مسئولیت وی نخواهد بود.

@BookTabadol

یادداشت



.....

.....

.....

.....

.....

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زیر telegram.me/sopnuu

نکات کلیدی شماره (۴)

اگرچه اجتهاد به معنای ابتدایی آن مورد قبول فقهای امامیه قرار نگرفت ولی در سده‌های بعد، ارائه تعاریف و برداشت‌های جدید، گرایش ایشان بدان را تغییر داد، طوری که محقق حلی اصطلاح فقها در خصوص اجتهاد یعنی «جهد فی استخراج الحکم الشرعی» را مطرح نمود. تاکنون این تعریف با اندک تغییری (دستیابی به حکم) چه از راه علم و چه ظن حیات دارد.

انگیزه‌ی اصل‌سازی در فقه و حقوق، کوتاه کردن راه استدلال، بیابان همه تجارب در عباراتی کوتاه و دستیابی سریع به حکم است، گرچه یکی از انگیزه‌های ایجاد و تأسیس اصل، کوتاه شدن دست از باب علم (قطعی) علمی (ظن معتبر) در رسیدن به حکم واقعی است.

نکات کلیدی شماره (۵)

آنچه کاشفیت از واقع داشته باشد دلیل حکم واقعی است که دلیل یا اماره نام دارد.

آنچه به واقع نظر ندارد و امکان رسیدن به حکم واقعی را ممکن نمی‌بیند، دلیل حکم ظاهری آن هم صرفاً برای مشخص کردن وظیفه عملی مکلف و رفع حیرانی اوست که اصول عملیه از این قسم‌اند.

پژوهش نشان می‌دهد که نامگذاری ادله به اجتهادی و قفاهتی بر پایه‌ی دلیل عقلی - شرعی روشنی بنا نشده است.

نکات کلیدی شماره (۶)

با توجه به اینکه اصول حاصل از یافته‌های فقها مربوط به سال‌ها بحث و بررسی است، اما اصول حقوقی عموماً مفاد مواد قانونی‌اند که به خاطر نقش مهم در ابواب گوناگون، اصل نام گرفته‌اند. البته نباید فراموش کرد که بسیاری از اصول حقوق مدنی برگرفته از اصول پذیرفته‌شده‌ی فقهی و البته به همان روش و نمط فقهی تأسیس شده‌اند. گرچه برخی ابواب حقوقی در فقه سابقه‌ای نداشته‌اند. مانند: اصل شخصی بودن قانون در حقوق بین‌الملل خصوصی (به معنی اجرای قانون بر اساس قوانین کشور متبوع نه کشور محل اقامت) و

نکات کلیدی شماره (۷)

اصل در اصطلاح علم فقه، در ابواب عمومی (قیاس، اجتهاد، رد فرع بر اصل به استناد روایت «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع») و علوم روایی (مستصحب/کتب جامع حدیث) و ابواب خاص (به همان معنی لغوی ریشه و بنیاد) کاربرد دارد.

اصل در اصطلاح علم حقوق، پذیره‌های عمومی فقه و حقوق (با ریشه داشتن در فقه) و هم رویکردی عملی به حق قانونی (با ریشه داشتن در اصول) می‌باشد.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زی telegram.me/sopnuu

۲- اشعری: (با عدم اعتقاد به حسن و قبح ذاتی) چنین بازگشتی برای طبیعت افعال نمی‌توان قائل شد.

۳- عموم بغدادیان و برخی از فقهای امامیه: (گرایش اشعری) اصل در افعال بر حذر است.

۴- بصریان به سردمداری ابوالحسن بصری، ابوحامد غزالی (عالم اشعری)، غالب امامیه از جمله فقیه برجسته زمان سید مرتضی: (گرایش معتزلی) اصل در افعال بر اباحه است.

۵- به نظر رویکرد اشتغالی امروز (تفکر اخباریان)، سرچشمه‌ی تفکر حظری دیروز (اشعری)، و گرایش به برائت، به دلیل رویکرد اباحه‌ی معتزلی، و توقف، به نظر آشنا با تخییر باشد.

بیان مفاهیم اصول عملیه چهارگانه (به عنوان ادله‌ای در طول ادله اجتهادی) در همان نخستین آثار اصولی دیده شده و این در حالیست که عناوین اصول عملیه و ادله فقاهتی محصول تحولات متأخر اصولی است.

از مصادیق اثرگذاری رویکرد کلامی اشعری و معتزلی، می‌توان بر فعالی اشاره کرد که شارع مقدس در آنها رهنمودی ندارد. بدین ترتیب خلاصه نظریات حاصل از تفکرات علمای اصولی و کلام چنین است:

۱- معتزلی: (با اعتقاد بر حسن و قبح ذاتی) اگر طبیعت افعال بر قبح سرشته شده باشد و در زمان عدم رهنمونی شریعت، اصل در امور بر حذر (ممنوعیت) است و اگر فطرت امور بر حسن باشد، اصل در آنها اباحه (جواز) است و یا باید سکوت را اتخاذ نمود.

نکات کلیدی شماره (۲)

مجال تعارض در اخبار آحاد، فرع بودن تعارض دو دلیل ظنی بر پذیرش اصل (حجیت) دلیل ظنی و فرع بودن تخییر بر وجود تعارض، ادله‌ای بودند که جریان تخییر را به تأخیر انداختند.

زمان و نوع طرح استصحاب در زبان روایات، آن را به طور ویژه از دیگر اصول عملیه ممتاز نمود طوری که در تقسیم‌بندی‌ها، تقریباً رویه‌ای جدا از دیگر اصول پیش گرفته است.

نکات کلیدی شماره (۳)

نخستین بار، عنوان اصولی برائت، یکبار در دل استصحاب، با عنوان برائت اصلی (استصحاب حال عقل) یعنی عدم مشغولیت ذمه مکلف (توسط محقق حلی) و دیگر بار در کنار استصحاب به عنوان دلیل عقلی (توسط شهید ثانی) و به عنوان یکی از شرایط اجتهاد (توسط علامه حلی) مطرح شد.

از آنجا که سابقاً ادله حکم شرعی، منحصراً کتاب و سنت و اجماع بوده و اجماع نیز در معارضه با کتاب و سنت توانمند نبوده و البته کتاب و سنت هم تنها در دوران شکل‌گیری فقه فتوایی آن هم در حیطه درون‌گروهی و بین ادله ظنی معارض داشته و دیگر آنکه در ظواهر قرآن، تعارضات به سمت نسخ و تأویل گرایش داشته است، تنها محل مورد تعارض، اخبار آحاد است.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زی telegram.me/sopnuu

از رویدادهای تازه‌ای که پس از قهر و غلبه‌ی حدود یک قرن نهضت اخباری‌گری حاکم بر عالم فقاقت، برجسته است، حضور اساتید بزرگی چون شیخ یوسف بحرانی (با رویکردی اجتهادی و هدایتگری در بین علمای فقیه عصر) و استاد وحید بهبهانی (با ایجاد حرکت علمی فراگیر و برپایی گفتمان‌های تهاجمی در پاسخ به تقریباً تمام شبهات اخباریان و به دنبال آن ایجاد مدرسه فقهی کربلا) به چشم می‌خورد. در استمرار آن می‌توان به برجیده شدن مدارس فقهی اخباریان و استوارسازی استدلال‌های اصولی و بیانات نوین فقهی بر پایه‌ی کتاب و سنت و عقل توسط نسل‌های بعد از ایشان، اشاره کرد.

سید مرتضی استصحاب را برای ثبوت حکمی که در زمان گذشته ثابت بوده و برای زمان‌های دیگر ثبوتش مشکوک است، جاری نمی‌داند و معتقد به عدم حجیت استصحاب به طور کلی می‌باشد. در این بین، محقق حلی، از جمله اصولیان متقدم معتقد به حجیت استصحاب، آن را به عنوان دلیل حکم معرفی می‌کند. صاحب معالم نیز، ضمن بیان دیدگاه‌ها و ادله سید مرتضی و شیخ مفید، موضوع استصحاب را استصحاب حال مطرح کرده و آن را همدریف ادله (اجماع، اخبار و نسخ) ارائه کرده است.

نکات کلیدی شماره (۸)

قطع (به عنوان باورداشتی که احتمال نقیض و شک در آن نیست) ظن (دانشی که در نفس حالت گمان به صحت ایجاد می‌کند ولی اطمینان بخشی‌اش نسبت به یقین ضعیف است) و شک (باورداشتی که اعتقاد به درستی و نادرستی آن با هم برابر است)، سه مقصد کتاب گرانقدر فرائد الاصول اثر شیخ انصاری است. که در واقع سه مراتب دریافتی نفس هستند که شیخ اعظم مورد بررسی دقیق قرار داده‌اند.
وهم - به عنوان حالتی نفسانی که احتمال نادرستی‌اش بر احتمال درستی‌اش غلبه دارد - گرچه گاهی منشا آثاری می‌شود، اما در مقاصد کتاب مذکور لازم به بیان نبوده است.

نکات کلیدی شماره (۹)

در حالیکه اندیشه‌های نو اصولی در ساختار کهنه خود، مجال فرصت‌طلبان اخباری را برای ایجاد شائبه‌ی تقلید شیعه از اصول‌نگاری آثار سنی، بالا برده بود، شیخ انصاری با زدودن این ابهام و صرف‌نظر از تعریف فقه سنی مبنی بر فهم حکم شرعی فرعی از راه ادله تفصیلی، مخاطب را متوجه مراتب دریافت‌های درونی نفس انسان و تفاوت باورداشت‌های فردی نسبت به فرد دیگر کرد.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زی telegram.me/sopnuu

نکات کلیدی شماره (۲)

باور انسان نسبت به چیزی که احتمال نقیض و تردید در آن نمی‌رود قطع/یقین نام دارد. قطع حجیت ذاتی دارد و حجیتش نه به معنای اخص (اماره = که کاشفیتش ناقص است و شارع آن را کامل می‌کند) و نه به معنای حجیت لغوی و منطقی است بلکه به معنای اعم اصولی است تا اگر مکلف بر اساس قطع خود عمل کرد و عملش مطابق واقع نبود «معذور» باشد و اگر بر اساس آن عمل نکرد، تکلیف بر وی «منجز» بوده و بتوان علیه او احتجاج کرد.

زمانی که قاطع با قطع نادرست خود، دچار خطا شود، انقیاد صورت پذیرفته است که البته قطع نادرست، تکلیف موجود را از بین نمی‌برد همانطور که تکلیف معدوم را ایجاد نمی‌کند.

ارزش و اعتبار قطع تنها برای خود قاطع است و نزد او طریقیت دارد (مانند قطع مجتهد برای شخص او). اما این در حالیست که قطع موضوعی معتبر به اعتبار بخشی شارع است (مانند قطع مجتهد برای مقلدشان (به دستور شارع)).

نکات کلیدی شماره (۱)

قطع قطاع، قطع زود هنگام فرد طی فرایند ذهنی ترتیب دادن مقدمات علم برای رسیدن به معلوم در اثر تیزهوشی و یا خوش‌باوری بر اساسی است که دیگران بدان اعتماد ندارند. با وجود موافقان و مخالفان این نوع قطع، به نظر شیخ انصاری، قطع قطاع طریقی حجیت دارد و قطع قطاع موضوعی، بسته به ارزش‌دهی شارع است.

انکشاف کامل واقع نزد انسان و یا روشن شدن کامل مطلب در ذهن، علم نام دارد.

علوم یا تفصیلی‌اند بدین ترتیب که کوچکترین احتمال خلاف در آنها نمی‌رود و یا اجمالی‌اند، که با وجود عدم ابهام در نفس آنها، متعلقات و موضوعات خارجی آنها دچار ابهام و اجمال می‌شود.

نکات کلیدی شماره (۳)

علم تفصیلی نزد اصولیان یا اتفاق حجیت دارد.

تجزیه تکلیف مربوط به اثبات آن بر عهده‌ی مکلف (توجه به فاعل) و تنجز تکلیف مربوط به ثبوت تکلیف (توجه به فعل) است.

از آنجا که علم اجمالی نیز (با همراه داشتن مضاف علم) متصف به انکشاف کامل از واقع است، در ثبوت تکلیف بر مکلف از منظر شیخ انصاری صحیح ارزیابی شده است.

نکات کلیدی شماره (۳)

قطع قطاع، قطع زود هنگام فرد طی فرایند ذهنی ترتیب دادن مقدمات علم برای رسیدن به معلوم در اثر تیزهوشی و یا خوش‌باوری بر اساسی است که دیگران بدان اعتماد ندارند. با وجود موافقان و مخالفان این نوع قطع، به نظر شیخ انصاری، قطع قطاع طریقی حجیت دارد و قطع قطاع موضوعی، بسته به ارزش‌دهی شارع است.

انکشاف کامل واقع نزد انسان و یا روشن شدن کامل مطلب در ذهن، علم نام دارد.

علوم یا تفصیلی‌اند بدین ترتیب که کوچکترین احتمال خلاف در آنها نمی‌رود و یا اجمالی‌اند، که با وجود عدم ابهام در نفس آنها، متعلقات و موضوعات خارجی آنها دچار ابهام و اجمال می‌شود.

• نحوه استفاده از این جزوه

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زیر

[telegram.me/sopnuu](https://t.me/sopnuu)

نکات کلیدی شماره (۵)

زمانی که امتثال علمی تفصیلی ممکن نباشد، امتثال علمی اجمالی تابع اصل تکلیف (علم اجمالی به تکلیف) خواهد بود. از آنجا که در امتثال علمی اجمالی نیز قطع و علم وجود دارد، و مکلف که اجمالاً علم به تکلیف دارد، اجمالاً می‌تواند علم به امتثال نیز داشته باشد (و علم به ثبوت تکلیف می‌تواند علم به سقوط تکلیف را به دنبال داشته باشد). تکلیف به یقین ثابت شده، به یقین نیز ساقط شده، می‌باشد ولو امتثال علمی تفصیلی هم ممکن باشد (نظر مشهور اصولیان).

موافقت کردن در تکلیف معین به صورت خارجی (عملاً) که از سوی شارع نصب شده است، امتثال نام دارد.
نتیجه و فایده‌ی امتثال، کافی و مجزی بودن است، از این رو بسته به نوع تکلیف، امتثال متفاوت خواهد بود.
با یقین مکلف به انجام تکلیف دقیق شرعی (همطرازی علم تفصیلی با امتثال تفصیلی)، امتثال تفصیلی صورت گرفته است.

نکات کلیدی شماره (۶)

به دلیل جایگاه بلند ظن معتبر (اماره) نزد اصولیان، در امتثال ظنی، ایشان، این امتثال را همسنگ امتثال علمی تلقی کرده‌اند.
زمانی که مکلف تردید در حرمت یا وجوب عملی داشته باشد و احتیاط برای مکلف ممکن یا واجب نباشد، امتثال احتمالی (احتمال امتثال) کافی است.
با وجود نظریه‌ی متقدم اصولی مبنی بر رعایت مراتب امتثال (امتثال علمی تفصیلی \leftarrow بعد \leftarrow امتثال علم اجمالی \leftarrow بعد \leftarrow امتثال ظنی \leftarrow بعد \leftarrow امتثال احتمالی مرحله‌ی ناچاری و ناگزیری)، پژوهش‌های جدید بر امتثال علمی اجمالی و چه بسا امتثال ظنی با وجود تمکن در امتثال علمی تفصیلی مانور می‌دهند.

نکات کلیدی شماره (۸)

با توجه به تعریف ظن و همچنین معرفی که از قطع در مباحث گذشته شد، حالت درونی نفس به واقع بودن یک طرف از دو یا چند طرف اعتقاد بر واقع، قطع بود در حالی که ظن، حالت درونی نفس در احتمال بسیار دادن در مورد واقع بودن یک طرف از دو یا چند طرف اعتقاد بر واقع است.
قطع کاشفیت تام از واقع دارد حال آنکه کاشفیت ظن از واقع ناقص است.
نباید فراموش کرد که قطع بر خلاف ظن حجیت ذاتی دارد.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زیر telegram.me/sopnuu

رویکرد دوره فقه فتوایی - اثرگذاری عملکرد افراطی فقهای عامه
در جانبداری از ظن در اجتهاد در ساختار فکری شیعه - عدم مقبولیت
ظن (قیاس، خبر واحد) نزد شیعه - عدم پذیرش اجتهاد (به عنوان نیاز
ضروری عصر).
امکان عقلی التزام به ظن توسط سید مرتضی ثابت شد (امکان عقلی
نکبه بر ظن در فروع / رخداد اشتباهات احتمالی در قطع و ظن، هر دو)
اما امکان وقوعی آن - به عنوان راهی غیرایمن در یافتن حکم شرعی -
توسط ایشان و خواص و شاگردان وی رد شد و بدین ترتیب اصلی
مستقر ساخت با این مضمون که «شک در حجیت (ظن) مساوی با قطع
به عدم حجیت است».

مصدق بارز ظن و نمود مورد اختلاف علمای اصولی خیر واحد بدون
قرینه (به عنوان اسباب ظن) بوده است.
اوایل پایه‌ریزی فقه فتوایی، بی‌نیازی سید مرتضی و خواص ایشان،
حجیت خبر واحد بدون قرینه را به عنوان مظهر اصلی یا تنها مظهر
ظنی چالش برانگیز، زیر سؤال برد. گرچه نباید تا حدودی شخصیت فقها
از جمله سید مرتضی یعنی آشنایی کامل ایشان با ادبیات عرب و نسبت
ایشان با امامان شیعه را در مسئله قرینه‌سازی برای خبر واحد انکار کرد.
این در حالیست که شیخ الطائفه (شیخ طوسی) در حالی که دور از
دسترسی به منابع شرعی حضور داشتند، عکس نظریه سید مرتضی
معتقد بوده‌اند.

نکات کلیدی شماره (۱۱)

دوری از دوره‌ی تشریح و عصر بیان احکام توسط ائمه و صحابه -
دسترسی سخت به دلایل قطعی و اطمینان‌بخش - بسته شدن راه
علم - نصب مقدمات انسداد - حجیت ظن مطلق.
مقدمات انسداد به طور خلاصه عبارتند از:
۱- بسته بودن باب علم و ظن خاص به دلیل کمی و گاهی فقدان نص
۲- عدم بی‌تکلیفی مکلف صرفاً به علت بسته بودن باب علم.
۳- عدم وجوب یا عدم جواز امتثال از طریق اصول عملیه به خاطر ایجاد
احتمالی عسر و حرج
۴- عمل به ظن مطلق

نکات کلیدی شماره (۱۲)

در انسداد کبیر (بسته بودن تمام راه‌های علم‌آور)، توسل به ظن
مطلق و حجیت آن موجه است.
در انسداد صغیر (باز بودن راه‌های علمی (ظن خاص) با تسامح شارع
نسبت به برطرف ساختن نقص برخی ظنون (اماره))، توسل به ظن
مطلق حرام است.
اصل «حرمت عمل به ظن مطلق» (منصوب توسط شیخ طوسی)
احیاء‌کننده‌ی اصل سابق «شک در حجیت ظن مساوی با قطع به عدم
حجیت آن است» (منصوب توسط سید مرتضی) بود.

نحوه استفاده از نکات کلیدی:

۱- برگه کتاب را به ۴ نکته کلیدی تقسیم کنید.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زیر
telegram.me/sopnuu

نکات کلیدی شماره (۱۳)

نگاهی گذرا به مقدمات انسداد و نقد شیخ انصاری در خصوص این مقدمات:
مقدمه (۱) بسته بودن باب علم؛ نقد ← راه علم مسدود است اما بسته بودن راه ظن خاص قابل قبول نیست (حجیت خبر واحد در بخشی از ابواب و عمل به اصول عملیه در بخش‌های دیگر).
مقدمه (۲) عدم بالاتکلیفی مکلف صرفاً به خاطر بسته بودن باب علم؛ نقد ← صحیح است به دو دلیل: ۱- اجماع، ۲- از آنجا که در ثبوت اصل تکلیف شکی نیست، برائت قابل اجرا نیست.

مقدمه (۳) عدم تمسک به اصول عملیه‌ای همچون احتیاط؛ نقد ← احتیاط همه جانبه (در مورد تکالیفی که در مورد آنها یقین وجود ندارد) به اجماع و جلوگیری از عسر و حرج منفی است.
مقدمه (۴) نتیجه عمل به ظن مطلق؛ نقد ← حرمت عمل به ظن مطلق.

@BookTabadol

نکات کلیدی شماره (۱۴)

اصل، حرمت عمل به ظنون مطلق - یعنی حکم به مردودیت پیروی از ظن مطلق - است که دلیلی از شرع برای التزام بدان وجود ندارد. این هم به واسطه دلایل قرآن، سنت، اجماع و عقل که توسط شیخ انصاری ارائه شد، بر خلاف ظن خاص که مورد امضاء و تأیید شارع است.

نکات کلیدی شماره (۱۵)

در حالی که همه کوشش اصولیان متقدم اثبات حجیت ظن مطلق از راه دلیل انسداد برای رسیدن به احکام شرعی بوده، بایی که متأخران پیش روی آیندگان گشودند، دستیابی به ظنون خاص (اماره) و راه (دلیل) علمی به عنوان واسطه‌ای در جهت دستیابی به حکم شرعی بوده است، حجیت این دسته ظنون قطعی است و شارع راضی به عمل مکلف طبق آنهاست. بدین ترتیب این باب علمی به افتتاح حکمی منجر شد و انسداد صغیر پس از افتتاح علمی و حکمی ایجاد گشت که منشأ تقسیم پیشین از انسداد بود.

• نحوه استفاده از نکات کلیدی:

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زیر telegram.me/sopnuu

تقسیم بندی ظنون از دو نگاه:

ظن غیر معتبر: { ظن مردود (ظن مطلق)
ظن مسکوت (ظن مشکوک)

{ ظن معتبر (ظن خاص / مقبول)

تقسیم بندی
ظنون از دو
نگاه:

{ ظن شخصی (نوعی ظن حاصل شده در ضمیر آدمی)
{ ظن نوعی (همان سبب ایجاد ظن)

در این میان ظن مقبول (معتبر / خاص) مورد امضاء شارع است و ظنون مطلق - مسکوت (غیر معتبر / مشکوک) مورد امضاء شارع نیستند.

شک در لغت بر خلاف معنی اخص اصطلاحی، معنایی عام دارد به

طوری که هر چیز غیر قطعی حتی ظن را هم در بر می گیرد.

بدین ترتیب در بررسی جایگاه مکلف در برابر حکم شرعی، شک از جهت اعتبار با ظن غیر معتبر برابری میکند.

از آنجا که موضع مکلف در برخورد با شک (به دلیل نیافتن دلیل قطعی (یا ظنی خاص)) رفع سرگردانی است، برای عمل به وظیفه اش متوسل به حکم ظاهری (با تمسک به اصول چهارگانه ی برائت - اشتغال (احتیاط)، تخییر و استصحاب) می شود که حصر عقلی دارند ولو مکلف را به حکم واقعی عندالهی نرسانند.

نکات کلیدی شماره (۲۰)

آثار یا لوازم، وظایفی است که مکلف عهده دار فراهم کردن و انجام

آنهاست. اصل مثبت (اصل ثابت کننده ی آثار عقلی و عرفی) حجت نیست. یعنی دلایل اصول عملیه (البته بیشتر استصحاب) تنها به آثار شرعی می رسد و آثار عقلی و عرفی را شامل نمی شود چرا که احکام حاصل از اجرای اصول عملیه، ظاهری اند و در حیطه ی اختیارات شارع.

اما احکام حاصل از امارات، مربوط به عالم واقع اند. و چون اصول عملیه با عالم واقع کاری ندارد، مثبت آثار عقلی و عرفی نمی تواند باشد. مثال: مفقودالتری زنده است:

نکات کلیدی شماره (۱۹)

طبق فرمایش شیخ انصاری: اگر مکلف قبل از تردید و شک کردن فعلی اش، نسبت به موضوع یا حکم یقین داشت (یقین سابق)، در مورد شک باید استصحاب را اجرا نماید. اما اگر یقین سابقی قبل از شکی که اکنون عارض و ملحق بدان شده، وجود نداشته باشد، مکلف با توجه به اینکه احتیاط برایش ممکن نباشد (مجرای تخییر) و یا احتیاط امکان داشته باشد، با توجه به وجود دلیل دال بر مجازات در صورت مخالفت با حکم شرعی (مجرای احتیاط) یا عدم وجود دلیل دال بر آن (مجرای برائت) به اصول عملیه تمسک می جوید.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زی telegram.me/sopnuu



۱- بینه (اماره) گواهی به زنده بودن او داده و اماره او را در عالم واقع زنده می‌داند پس تمام آثار عقلی و ... بر وی بار می‌شود (مانند خروج واجبات مالی از مالش و ...)

۲- استصحاب حکم به زنده بودن او داده و استصحاب او را در عالم اعتبار زنده می‌داند پس تنها آثار شرعی بر وی بار می‌شود (مانند: رابطه‌ی زوجیت، وراثت و ...)

◀ شک در اصل یک حکم کلی شرعی یا شبهه حکمی (بیانگر فایده علم) و شک در انطباق حکم شرعی با موضوعی خارجی، شبهه موضوعیه (بیانگر منفعت علم) است.



◀ شک در تکلیف گاه به خاطر نبودن نص، گاه به خاطر اجمال نص، گاه به خاطر تعارض دو یا چند نص با یکدیگر و در مواقعی در امور خارجی ایجاد می‌شود

◀ اجمال نص، تعارض نصوص و فقدان نص، عنوان شک در دلیل حکم دارند. شک در امور خارجی، شک در مصداق دلیل است.

◀ در صورتی که اصل تکلیف مشخص باشد و متعلقات آن دچار اجمال شده باشد، شبهه مقرون به علم اجمالی است این در حالیست که اگر اصل تکلیف نامعلوم باشد، شبهه، بدوی است و اصل بر اجرای براءت است.

◀ تردید مکلف در حکم وجوب یا عدم وجوب، شبهه وجوبی، و شک وی در حکم حرمت یا عدم حرمت، شبهه تحریمی را معرفی می‌کند



نکات کلیدی شماره (۲۲)

◀ در شبهه محصوره، به دلیل انگشت‌شمار بودن اطراف علم اجمالی، و برای حصول موافقت قطعی عقلاً، امتثال قطعی با رعایت تمام اطراف شبهه، واجب است. این در حالیست که در شبهه غیرمحصوره که شمارش مشکل است، سنت، اجماع، ایجاد عسر و حرج و عرف (احتمال ضعیف ارتکاب حرام، دال بر اجازه ارتکاب هم اطراف علم اجمالی اند.

◀ نباید فراموش کرد که مهم‌ترین عامل تفاوت حکم مکلف در برخورد با شبهه محصوره و شبهه غیرمحصوره، عسر و حرج بالایی است که ممکن است گریبانگیر مکلف شود.

◀ تمام انواع شبهات موجود در اصول، به استثنای شک در اقل و اکثر، بین دو امر / تکلیف متباین صورت می‌پذیرد.



نکات کلیدی شماره (۲۳)

◀ ایجاد شک در دو صورت از یک تکلیف (طوری که یکطرف شک کمتر بوده (اقل) و صورت دیگر بیشتر (اکثر) باشد و مکلف نداند امتثال اقل کافی است یا امتثال اکثر واجب است) شک در اقل و اکثر را می‌سازد که اگر (اقل و اکثر) ارتباطی باشد، شک در جزئیت چیزی برای تکلیف است. و اگر استقلالی باشد، شک در اجزاء مستقل و جدای از یکدیگر برای تکلیف است در شک در اقل و اکثر ارتباطی، برخی حکم به براءت در خصوص انجام اکثر داده‌اند و برخی به دلیل بی‌فایده بودن انجام اقل (به دلیل جزء بودن و پیوسته بودن با کل)، حکم به وجوب اکثر داده‌اند این در حالیست که در اقل و اکثر استقلالی، مشهور اصولیان، حکم به براءت در مورد جزء اکثر داده‌اند.

نکات کلیدی شماره (۲۵)



یک شبهه می تواند از چند جنبه در تقسیم بندی های گوناگون قرار گیرد: مانند شبهه وجوبیه حکمیه مقرون به علم اجمالی.

- طبق تقسیم بندی و جمع بندی شبهات و علت شبهه در آنها، مسائل چهارگانه زیر شکل می گیرد:

● شبهه حکمیه (تحریمیه / وجوبیه):

- به علت فقدان نص

- به علت اجمال نص یا نصوص

- به علت تعارض نصین (دو نص)

● شبهه موضوعیه (تحریمیه / وجوبیه):

- به علت اشتباه (شبهه) در امور خارجی

یادداشت



@BookTabadol

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زی telegram.me/sopnuu

◀ در یکی از صورتهای دوران امر بین وجوب و حرمت / وجوب و غیر حرمت / حرام و غیر واجب آن هم به علت فقدان یا اجمال و یا تعارض نصین، برائت مجرا پیدا می کند.

◀ مجرای اصل برائت در شبهات بدوی و شبهات غیر محصوره مقرون به علم اجمالی است.

◀ در حالیکه متقدمینی همچون محقق و علامه حلی و شهیدین، دلیل برائت را عقلی یافته اند (برائت عقلی). متأخرین، ادله شرعی را نیز بر آن افزوده اند (برائت شرعی). اما برخی از ایشان دلیل عقلی را در اثبات برائت کافی نمی دانند.

◀ گاهی معیار تقسیم بندی مسئله شک، سبقه داشتن یا سبقه نداشتن یقین است و گاهی شک با توجه به اینکه در اصل تکلیف رخ دهد یا در مکلف به، تقسیم شده و اصول عملیه در آن شقوق به جریان درمی آیند.

◀ استصحاب و برائت پرکاربردترین اصول در استنباطهای فقهی و حقوقی اند.

◀ برائت در لغت به معانی رهایی و بیزاری و در اصطلاح، پاک شدن، اصل عدم و اصل عملی که به موجب آن، در نفس تکلیف شک می شود و تکلیف مشکوک نادیده گرفته می شود، معنی دارد.

◀ برائت و احتیاط - از جنبه نادیده گرفتن و امثال کردن تکلیف - نقطه ای مقابل یکدیگرند و در احکام الزامی خمس (وجوب / حرمت) به کار می روند.

نکات کلیدی شماره (۲)

◀ رویکرد مناسب تر و بهتر اصولیان متأخر و از جمله دستاورد برائت شرعی، نتیجه استحکام بخشی احکام فقهی و بنیادهای اصولی پس از دوره اخباری گری بود.

◀ در میان ادله قرآنی برائت به نظر آیه «لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها» و آیه «قل لا اجد فیما اوحی الی محرماً علی طاعم یتعمه الا ان یتکون میتة او دماً مفسوحاً او لحم خنزیر فانه رجس» دلالت روشنتری بر برائت دارند.

نکات کلیدی شماره (۳)

◀ قاعده «قیح عقاب بلا بیان» (یعنی ناپسند بودن مجازات کسی که نسبت به تکلیف مشکوک بیان و حکمی دریافت نکرده است) که شامل: مسئله ای کلامی حسن و قبح عقلی و مسئله اصولی برائت عقلی است، دلیل عقلی برائت به شمار می رود.

◀ قاعده «دفع ضرر محتمل» (یعنی احتیاط در مواردی که احتمال ضرری بزرگ و غیر قابل تحمل وجود دارد) و نهایتاً احتیاط عقلی، نقد و اشکال اصولیانی است که دلیل عقلی برائت را صحیح نمی دانند، اما در پاسخ به ایشان گفته شده، تصور زیان است که مراد این قاعده است و نه احتمال زیان، چرا که اگر در هر مسئله ای احتمال زیان در نظر گرفته شود، نظم زندگی انسان مختل می شود. در این بین برخی بین این دو قاعده فقهی تعارض دیده و هر دو را ساقط کرده اند.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زیر telegram.me/sopnuu

برخی «ماء» موصول در حدیث رفع را افعال مکلف برشمرده‌اند و برخی احکام مکلف و البته از آنجا که اصل برائت ثابت‌کننده‌ی بی‌مسئولیتی مکلف نسبت به فعل / حکم مجهول است و نه فعل معلوم، به نظر می‌رسد تعیین حکم ظاهری توسط برائت در شبهات حکمیه مطلوب‌تر باشد.

این در حالیست که صراحت قانون در ابلاغ حکم باعث شد نه تنها شبهات حکمیه در طی روند انتشار قانون برای مکلفین زیاد نباشد بلکه بر عکس شبهات موضوعی قانونی بسیار بوده و برائت برای این دست شبهات کارگشا شود. خلاصه آنکه:

- اجرای اصل برائت در شبهات حکمیه در فقه (در بیشتر موارد)
- اجرای اصل برائت در شبهات موضوعیه در حقوق (در بیشتر موارد)

شیخ انصاری، آیه نخست را مفید برائت نمی‌داند و آیه دوم را نیز، کیفر دنیوی و نه اخروی انسان برمی‌شمرد همانگونه که آخوند خراسانی نیز عذاب و مجازات در آیه دوم را به عنوان تنها بیان سنت الهی می‌داند و نه اثبات برائت.

حدیث رفع و البته فقره‌ی چهارم آن (رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي مَا لَا يَعْلَمُونَ) محکم‌ترین دلیل در حجیت اصل برائت می‌باشد.

نکات کلیدی شماره (۸)

۳- اثر مؤاخذه، از خطاکار و نسیان‌کننده و ... رفع شده است. (مورد تأیید شیخ انصاری، معنی‌دارتر از نظریه اول و ظاهرتر از معنی دوم) دلایل این نظر، عقلی بودن نظریه، پشتوانه‌ی قرآنی آن و قدر متیقن مقبول همگان است. ۴- رفع مؤاخذه به صورت شرعی و از جهت امتنان خداوند بر بندگان بوده است (رفع حکم تکلیفی) اما آثار وضعی این فقرات همچنان به قوه خود باقیست (بقاء حکم وضعی).

نظر (۱) حدیث اطلاق، منقول از شیخ صدوق و به نظر ایشان مثبت اصاله‌الاباحه‌البته در دوره فقه روایی که اصاله‌البرائت بدین شکل متداول نبوده است، می‌باشد.

نکات کلیدی شماره (۷)

از آنجا که خصوصیات ذکر شده در حدیث (فرااموش‌کاری و ...) در بین تمام انسانها از جمله امت پیامبر (ص) وجود دارد، لفظی خارج از الفاظ ذکر شده در حدیث، در تقدیر گرفته شده است (به دلالت التزامی و اقتضاء). بدین ترتیب رفع، حقیقی نبوده، و یا رفع تکوینی است (کسی به اذن خدا فراموشکار و ... از ابتدا نبوده) و یا رفع تشریحی است (فرااموشکاری مکلف نزد شارع با اعتبار شود).

در پاسخ این سؤال که رفع حقیقی چه بوده است، سه نظریه مطرح شده است: ۱- تمام آثار خطا، نسیان، اکراه و ... از امت پیامبر (ص) برداشته شده است. (این نظریه متعارض با ادله اثبات‌کننده‌ی مسئولیت مدنی خطا و اکراه و ... است.) ۲- تنها اثر شایسته‌ی خطا و نسیان و اکراه و ... موضوع رفع است. (نظریه معناگرایی).

● نحوه استفاده از نکات کلیدی:

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زی

telegram.me/sopnuu

ظ (۲) با توجه به استناد برخی همچون شیخ انصاری به حدیث اطلاق دلالت بر اصل برائت، اما، نظر (۳) برخی همچون محقق خراسانی آن مثبت اصل اباحه دانسته و ناظر بر مرحله‌ی جعل حکم (یعنی حکمی به مرحله جعل نرسیده باشد) می‌دانند نه مرحله‌ی ابلاغ. (پاسخ) ≠ به نظر مجرای اصل برائت اعم از تکالیف صادر شده/نشده و ابلاغ نشده است و تفاوتی بین تکالیف صادر نشده و ابلاغ نشده عقلاً وجود ندارد.

ظ (۴) به عقیده گروهی، نهی در این روایت دلالت بر اجرای برائت در شبهات تحریمیه دارد (پاسخ) ≠ از آنجا که نهی نماد حکم الزامی است، ادر به تعمیم به شبهات وجوبیه نیز می‌باشد.

گرچه شیخ صدوق و شیخ حر عاملی، حدیث حجب را تنها ظاهر در احکام صادر نشده می‌دانند، اما به دلیل عدم بیان شارع در خصوص مسائل جدید روز، حدیث مذکور، مثبت اصل برائت است.

◀ شرط اجرای برائت در شبهات بدوی، تحقیق و جستجوی کافی و عدم یافتن دلیلی (معتبر) بر عمل به حکم شرعی است. زیرا پیش از تحقیق بنای فعل مکلف بر عمل به اصاله احتیاط است.

پذیرش دین ← معنی ← اطاعت از قوانین آن ← به وسیله ← راههای معلوم یا حداقل علم اجمالی ← تبدیل علم اجمالی از راههای معتبر به علم تفصیلی است:

نکات کلیدی شماره (۱۱)

۱. گردن نهادن به علم تفصیلی
۲. عدم تبدیل (در صورت عدم امکان) و پیروی از اصول ← اصل عدم اصاله البرائه.
- ◀ ملاک لزوم احتیاط پیش از تحقیق، ثبوت علم اجمالی به وجود تکلیفی الزامی در تمام شبهات است.
- ◀ کتب اربعه حدیث و کتابهای روایی معتبر، مهمترین و جناب‌ناپذیرترین منابع شیعه در فحص از ادله حکم شرعی می‌باشند.
- ◀ بنیاد احتیاط عقلی «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل» است، اشتغال یقینی، برائت ذمه یقینی می‌طلبد و احتمال زیان اخروی مکلف را وافی دارد تا با احتیاط، تمام اطراف شبهه تحریمیه را ترک کرده و تمام اطراف شبهه وجوبیه را انجام دهد.

نکات کلیدی شماره (۱۲)

- ◀ بیشترین رقابت تداخل مجزا را اصول برائت و احتیاط نسبت به یکدیگر داشته‌اند.
- ◀ شبهات محصوره مقرون به علم اجمالی و شبهات بدوی که در آنها طراف شبهه دارای ضریب خطر بالایی هستند، مجاری اصل احتیاط به شمار می‌رود.
- ◀ منجزیت قطع، سهولت امتثال و اهمیت موضوع، شرایط اجرای احتیاط را فراهم می‌کند گرچه در صورت عدم اختلال در نظام زندگی، جریان احتیاط همیشه نیکوتر است.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زی telegram.me/sopnuu

نکات کلیدی شماره (۱۳)

عدم امکان امتثال علمی در حالتی که مکلف ناچار است وجوب یا حرمت را برگزیند، مجرای تخییر را برای وی باز نموده است. بدین ترتیب تخییر در دوران امر بین محذورین (واجب و حرام) و تزاحم دو حکم یا دو موضوع یک حکم یا مقدمه و ذی‌المقدمه یا متلازمین که با یکدیگر برابرند، اجرا می‌شود.

نباید از نظر دور داشت در صورتی که دو حکم برای یک موضوع و یک حکم برای دو موضوع ثابت شود و حکمش قطعیت یابد و احتیاط ممکن نباشد، از آنجا که امتثال قطعی ممکن نیست، تخییر به عنوان تنها راه برای امتثال احتمالی وارد میدان می‌شود.

نکات کلیدی شماره (۱۶)

استصحاب با عنوان اصل عملی مورد اعتراف جمیع اصولیان است.

اماره بودن استصحاب به نحو غیرمستقیم و آثار غیر شرعی آنرا شیخ انصاری مطرح کرده است.

قائل شدن به ظن استصحابی (ظن حاصل از ادله عقلی استصحاب) و تأیید (غیر صریح) روایات حاکی از استصحاب، به نظر تأیید اماره بودن استصحاب است. (گرچه تأییدات غیرمستقیم اماره‌هایی همچون خبر واحد، به روشنی از حجیت ظن حاصل از آن نمی‌گویند چه برسد به ظن استصحابی).

نکات کلیدی شماره (۱۵)

شیخ انصاری ضمن ارائه نظر مثبت در خصوص حجیت استصحابی که مقتضی آن موجود است و شک در رافع وجود دارد دیگر حالات استصحاب را مطلقاً حجیت ندانسته و در کنار بیان دیدگاه، یازده رأی از محکم‌ترین آراء اصولیان مشهور را در فرائدالاصول برشمرده است.

در رویکردی عقلی، دلیل عقلی، سیره عقلا و اجماع دلالت بر حجیت استصحاب دارند ضمن آنکه، روایات وارده در این خصوص به خصوص روایت گویای مکاتبه‌ی علی بن محمد کاشانی با امام عصر (عج)، رویکرد روایی بر این حجیت است.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زی telegram.me/sopnuu

نکات کلیدی شماره (۱۸)

- ◀ یقین سابق، شک لاحق و مستصحب (موضوعی، حکمی) از ارکان استصحاب محسوب می‌شوند.
- ◀ از زمانی که متعلق یقین و شک متحد باشد و زمان آنها مختلف، هنگامی که استصحاب قهقرایی نباشد (عدم یقین به چیزی در زمان حال و شک در وجود آن در گذشته) و شک و یقین نیز برای مکلف محسوس و فعلیت یافته باشد، استصحاب جریان می‌یابد.

نکات کلیدی شماره (۱۷)

- ◀ چنانچه پشتوانه ظن استصحابی، قطع باشد، این ظن تبدیل به اماره می‌شود.
- ◀ این مؤیدات و بیانات اصل استصحاب را گرچه در رتبه‌ای پایین نسبت به اماره، اما در جایگاهی بالاتر از دیگر اصول عملیه قرار می‌دهد.
- ◀ یقین و شک دو موضوع مهم استصحاب‌اند.
- ◀ زمان متیقن (مورد یقین) و مشکوک (مورد مشکوک) لزوماً با یکدیگر مغایر است. (یقین به حیات علی سه سال پیش / شک در بقاء حیاتش بعد از سه سال) اما زمان یقین و شک لزوماً با یکدیگر وحدت دارند. (همزمان یعنی اکنون) یقین به وجود سابق و شک در بقاء آن (حیات).

نکات کلیدی شماره (۲۰)

- ◀ گاهی شک بعد از یقین می‌آید و با سرایت به یقین سابق، اعتقاد یقینی را متزلزل می‌کند.
- ◀ اگر اختلاف زمان متیقن و مشکوک مفقود باشد و شک و یقین نزد مکلف از فعلیت بیفتند، با سرایت شک به یقین سابق، استصحاب دیگر معنی نداشته و قاعده یقین یا شک ساری شکل می‌گیرد. که برخی آنرا مطلقاً حجت دانسته‌اند و برخی بطور نسبی برای آن حجت قائل‌اند.
- ◀ چنانچه موضوع استصحاب امری / چیزی خارجی باشد (مانند شخص مفقودالانثر)، استصحاب موضوعی است و چنانچه موضوع استصحاب حکمی تکلیفی / وضعی باشد (مانند پرداخت نفقه زوجه) استصحاب حکمی خواهد بود.

نکات کلیدی شماره (۱۹)

- ◀ استصحاب با توجه به مستصحب (۱)، دلیل استصحاب (۲) و نوع شک و یقین (۳) به اقسامی چند تقسیم شده است به قرار زیر:
(۱) وجودی - عدمی، موضوعی - حکمی، جزئی - کلی
(۲) حکم شرع، حکم عقل
(۳) شک در رافع، شک در رافعیّت موجود، شک در مقتضی
- ◀ حکم کردن به بودن یا نبودن چیزی که قبلاً یقین به وجودش می‌رفته یا یقین به عدم وجودش می‌رفته، به ترتیب استصحاب وجودی و عدمی را پیش‌روی ما می‌نهد.
- ◀ گاهی شک بعد از یقین می‌آید و بدون سرایت به یقین سابق، مسئله را برای مکلف مشکوک می‌سازد.

دانلود نمونه سوالات و جزوات بیشتر در کانال زیر telegram.me/sopnuu

نکات کلیدی شماره (۳۱)

حکم به ماندگاری فرد معین (زنده پنداشتن علی (استصحاب جزئی)) نقطه مقابل حکم به ماندگاری نفس مفهومی است که مصادیق متعدد دارد چرا که آثار حکم در استصحاب کلی (صورت دوم)، بر مفهوم کلی بار می‌شود نه افراد کل (زنده پنداشتن علی به عنوان کلی انسان)

استصحاب حکمی که با دلیل شرع ثابت شده باشد و استصحاب حکمی که با دلیل عقل (ثابت شده به دلیل قاعده ملازمه) به اثبات رسیده است تقسیم‌بندی استصحاب از جهت دلیل بوده و مبدع آن، شیخ انصاری است.

از آنجا که گاهی ماندگاری حکم شریعت نیز محل تردید قرار می‌گیرد و استصحاب نیز در آنها راهگشاست، سه صورت حکم شرعی که ممکن است در معرض زوال قرار گیرد، عبارتند از:

- ۱- احکام مستدلی که اجرایشان منوط به حضور معصوم است.
- ۲- احکامی که ممکن است استصحاب در برابر نسخ مشکوک، بتواند آنها را ننگه دارد.
- ۳- احکام وضعی و تکلیفی

@BookTabadol

نکات کلیدی شماره (۳۲)

مراحل شک در مورد استصحاب شده با توجه به نوع شک و یقین بدین ترتیب است که ابتدائاً گاهی شک در مقتضی (در قابلیت چیزی برای بقا) ایجاد می‌شود که در مستصحاب‌های گوناگون با توجه به استعدادهای متفاوتشان برای ماندگاری متفاوت است. گاه، شک در رافع ایجاد می‌شود بدین معنی که تردید پیش می‌آید که رخدادی، رفع کننده و برداشت کننده‌ی مستصحاب بوده است، و در مرحله بعد، اگر شک در رافعیّت موجود پیش آید، تردید نه در اصل رخداد و رافع، بلکه در توان و قابلیت رافع برای برداشت مستصحاب می‌باشد.

نکات کلیدی شماره (۳۳)

اصل تأخر حادث، از جمع و همکاری دو اصل عدم و استصحاب ایجاد شده است. در این اصل، تأخر حوادث از پی یکدیگر مجهول است بدین ترتیب که: گاهی کارکرد این اصل در یک حادثه قابل بررسی است (تمام آنچه که تاکنون بیان شد). گاهی کارکرد این اصل در دو چند حادثه قابل بررسی است که اگر تاریخ رخداد دو حادثه مجهول باشد، اصل تأخر حادث کارساز نیست اما اگر تاریخ رخداد یکی از دو حادثه معلوم باشد، کارساز خواهد بود. بدین ترتیب که استصحاب در مورد رخداد مجهول اجرا می‌شود.

• نحوه استفاده از نکات کلیدی: